

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

میر حسین مهدوی

فقه زمینی یا فقه آسمانی

نگاه به دستاورد تحقیقات و مطالعات فقها دو گونه است. در نگاه نخست و عام این فراورده های بشری بخشی از دین تلقی شده و همانند يك حکم دینی وجه تبعیت و تقلید را داشته و مقدس اند. نگاه دوم آنر محصول کار و اندیشه بشری می داند و پرسش گری در این وادی امری طبیعی . البته خود علمای دینی یا فقها نیز در ترویج فهم نخست از فقه کمک کرده اند. آنان استنتاج احکام عملیه شرعی را تنها وابسته به فهم بشری شان ندانسته و غالباً آنرا مددی از جانب پروردگار می دانند. منظور این فقیهان از مدد پروردگار در استنتاج حقیقت یابانه از منابع دینی ، داشتن نوعی ارتباط ماوراءالطبیعی است. این رابطه ماوراءالطبیعی به صورت بسیار طبیعی ، بشری بودن احکام فقهی را زیر سوال می برد. رابطه بین فقیهان و اولیای دین (مثلاً در مذهب اثنی عشری - شیعیان - چنین باوری غالب است که مجتهد با حضرت مهدی امام آخر شیعیان در ارتباط مستقیم است و در صورتی که فقیه در استنتاج احکام عملیه شرعی دچار مشکل شود خود امام دست وی را گرفته و مشکل او را حل می کند . یا در مذاهب اهل سنت هم تصویری به همین منوال وجود دارد تنها با تفاوت مصداق ها) ، نوعی فراقنی يك پدیده کاملاً مادی است به جهان غیر مادی.

البته چنین رویکردی کمک خواهد کرد که مرز پرسش گری یا بسیار محدود شود و یا کاملاً مسدود. وقتی يك امری به ماوراء الطبیعت موكول شود ، عقل بشری قادر به فهم و یا ریشه یابی علت و دلیل آن نیست. این فراقنی البته به رمز آمیزی و راز آلود شدن هرچه بیشتر فراورده های فقهی کمک کرده است . به عبارتی ، رمز آمیزی احکام ، به کمرنگ شدن نقش پارامتر زمان و نیازمندی های زمانی در این مقوله منجر شده است. البته رمز آمیزی بخشی از خصلت این علم است. از آنجائی که فقه به مقوله عبادات هم می پردازد و عبادات یکسره از مقوله طبیعیات فاصله داشته و راز آمیز اند ، این علم به لحاظ کار کرد همیشگی و مداوم با این مقوله رازمند ، خود نیز دچار رازمندی شده است. این راز آمیزی ها البته از طرف مؤمنین به نوعی قدسیت تعبیر شده است. یعنی احکام راز آمیز ، الزاماً مقدس اند و بحث و گفتگو در مقولات قدسی ، حد اقل کار عبث است و نقد و به مبارزه طلبیدن آن به معنی طغیان در برابر مقدسات محسوب می گردد. همانگونه که رفت ، راز آمیز ساختن مقوله فقه و تلقی قدسی از فراورده های آن دو عامل اصلی در ممنوعیت پرسش و پرسش گری به حساب می آید. در سالیان متمادی و در اکثر کشورهای اسلامی ، مردم ، فقیه را با دید يك شخصیت فرا بشری می دیدند و درست به همین دلیل تبعیت از او را بخشی از

دین به حساب می‌آوردند. راز قدرت بیش از حد فقها در طول تاریخ و حمایت مردمی از آنان درست در همین نکته نهفته است. قداست فقها با رشد علم و تعالی فهم بشر کم رنگ تر و کم رنگ تر شد. آنان کم کم وجه فوق بشری خود را از دست داده و در میان مردم بازگشتند. در این بازگشت غیر قدسی، علاوه بر رشد فهم و علم بشر عامل بسیار مهم دیگر نیز دخیل بود و آنهم دنیا زدگی فقیهان، هم نشینی آنان با اربابان قدرت، کم رنگ تر شدن اخلاق عملی در بین بخشی از آنان و باقی ماندن در سطح شعار و حرف چهره آنان را از يك اسطوره تقوی و تدین به يك انسان خطا کار و یا خطا پذیر - مثل انسان های عادی دیگر - تبدیل کرد.

موضوعی که فوق العاده مهم است، نوع نگاه ما به احکام عملی شرعی - فقهی - است. سرانجام اگر این احکام کاملاً بشری و زمینی اند، ما فرصت طرح پرسش های فراوان و در عین حال تازه و دشوار را از فقها داریم و آنان هم ناگزیرند به دلیل خصلت بشری بودن فرآورده های شان و نیز علمی بودن آنها برای یکایک پرسش های سوزان ما پاسخ در خور و قانع کننده بیاورند. اگر چنین باشد بسیاری از بدیهیات فقهی زیر سؤال می رود و باید معادل های شرعی دیگر توسط فقها برای آن دسته از احکام معرفی شود.

اگر فقه يك عرصه غیر بشری است و یا حد اقل بخشی از آن ناشی از کارکرد نیروهای غیر بشری و یا ماوراء الطبیعی است، در این صورت پرسش گری ها با مورد سؤال قرار خواهند گرفت. در چنین وضعی، فقه حاصل جمع دو نیروی زمینی و آسمانی است و فقهی که آسمانی تر باشد قابلیت اطاعت و پیروی بیشتری را در بین مسلمانان خواهد داشت. با چنین نگاهی علاوه بر ماحصل تحقیق علمی فقیه یا مجتهد باید مقلدین به مقوله دشواری چون انسان شناسی نیز روی بیاورند و رهبر مذهبی خود را در بین رهبران بی شمار، از طریق بررسی سیره های علمی وی و نیز میزان توانمندی علمی اش بر گزینند.

هر دو دیدگاه دشواری های خود را دارد. هم زمینی بودن فقه و هم ترکیبی از زمینی و آسمانی بودن آن. اگر علم فقه فارغ از فقیهان و به عنوان يك علم و حتی به فرض گنگ بودن وجه زمینی یا آسمانی آن مورد مطالعه قرار گیرد می تواند بخشی از این ابهام را روشن کند. بررسی عمودی و افقی علم فقه و یا نگاه دقیق علمی و فارغ از پیش داورى ها و در عین حال تاریخی می تواند نشان دهد که رابطه این علم با مقوله ای به نام زمان و نیازمندی های ناشی از آن چگونه بوده است.

اگر عنصر زمان را در استنتاجات فقهی نادیده بگیریم، کار علمای فقه عموماً محدود به مکروهات و مستحبات می شود. چون بخش بزرگی از حرام ها و حلال ها در قرآن کریم به روشنی آمده است. از وظایف مهم فقهی گره گشایی و رمز شکنی در امور مستحدثه است. مسایلی که از آن در متون دینی صحبت نشده و حکمی در مورد آن نیامده است. در سنت نیز نشانی از آن نیست و در احادیث بزرگان دین نیز نمی توان در مورد آن به نتیجه ای رسید. اگر عنصر زمان از بررسی های فقهی حذف شود باید فقه محدود به همان احکام تاریخی شود. احکامی که غالباً امروز دچار تحول زمانی شده و وجه تازه ای یافته اند. اما اگر فقه را با زمان و در زمان معنی کنیم، در این صورت می توانیم آسمانی بودن آن را زیر سؤال ببریم. هر امری که زمان و مکان در آن دخالت داشته باشد نمی تواند پدیده ای ماوراء الطبیعی باشد. اما نقش زمان و تحولات ناشی از آن در تطور و تغییر نه تنها در احکام فقهی بلکه در معیار های فقهی و تشخیص صواب از نا صواب چنان آشکار است که احتیاج به ارائه دلیل و برهان ندارد.

حکومت اسلامی از نظر فقهی می تواند مثال خوبی باشد. در مورد حکومت و جایگاه آن از نظر فقهی تا سالیان متمادی دیدگاه روشن فقهی بیان نشده بود. هر چند فقهای اهل سنت به این مقوله از سالیان پیش پرداخته اند اما طرح روشن و واضح حکومت و احکام حکومتی و نقش حکومت در عملی سازی و تبیین احکام عملیه شرعی کمتر مورد

درنگ واقع شده بود. با ظهور مصلحان اجتماعی نظیر سید جمال افغانی ، محمد عبده و... مسأله حکومت اسلامی به صورت روشن مورد بحث قرار گرفت از سوی دیگر بایدگفت که حکومت اسلامی برپایه مصلحت سنجی بنا شده است و بحث بر روی عنصر مصلحت می تواند بسیار گره گشا باشد. المالك (رض) از فقهای بزرگ اهل سنت در مورد عنصر مصلحت نظر بسیار مشهوری دارد.

(إن دليل رعاية المصالح أقوى من أدلة الاجماع فلتقدم عليه وعلى غيره من أدلة الشرع عند التعارض . (الاجتهاد، عبدالمنعم النمر/ ۱۰۸).

قرار گرفتن عنصر مصلحت به عنوان یکی از ادله شرعی در فقه اهل سنت سر آغاز توجه زمانی به اصدار حکم شرعی است. حکم شرعی نمی تواند فرا زمانی باشد و باید متناسب با نیازمندی های عصری مسلمانان باشد. در فقه شیعه نیز روایات فراوانی در مورد اهمیت عنصر مصالح زمانی مسلمین آمده است.

اعلم رحمك الله أن الله تبارك وتعالى لم يبيح أكلا ولا شربا إلا ما فيه المنفعة والصالح ولم يحرم إلا ما فيه الضرر والتلف والفساد. (امام رضا (ع) علل الشرائع، شیخ صدوق/ ۵۹۲)

اما فقهای شیعه عموماً نتوانسته بودند مصلحت را به عنوان یکی از ادله شرعی در کنار دیگر دلایل بپذیرند. آنان خواستار حفظ فقه سنتی بوده و از مصلحت تنها در محکم تر ساختن دلایل شان استفاده می کردند نه به عنوان يك دليل پایه ای . تشکیل حکومت اسلامی در ایران و به بازار آمدن فلسفه ولایت مطلقه فقیه می تواند سر آغاز توجه زمانی در اصدار احکام شرعی در این مذهب تلقی و بسیاری از رویکرد ها بعد از جهوری اسلامی می تواند بدعت های فقیهانه نامیده شود.

بنا براین در طول سالیان متمادی ضرورتی به طرح مباحث حکومت اسلامی - حد اقل به شکل مدرن و امروزی مطرح نبود و تمام مشکلات دولت ها و خلافت های اسلامی با صدور فرمان و استفتاء قابل حل بود اما پیچیده تر شدن سازمان زندگی ، جوامع اسلامی را به تلاش برای ایجاد يك نظام شرعی متمرکز و سازمان یافته وادار کرد. این نظام شرعی متمرکز و سازمان یافته چیزی نیست جز حکومت اسلامی.

اکنون ثابت شده است ، علمی که محور کار آن صدور و یا روشن ساختن احکام عملیه شرعی است نمی تواند خارج از زمان و مکان زندگی کند. در صورتی که فقه در چارچوب زمان و مکان محدود است و وابسته به آن ، هرچند ابزار کاری آن فرا زمانی باشد ، نمی تواند غیر علمی باشد. در صورتی که علمی است باید پاسخ گو باشد. پاسخ گو سازی علم فقه مستلزم آن است که فقیهان نگاه مجدد زمانی به بخشی از احکام فقهی به جا مانده از فقهای گذشته نمایند. حقوق زنان ، حکم شرعی خروج از دین ، قصاص ، ربا و ...

البته چنین اتفاقی نیز دیر یا زود خواهد افتاد و علمای دینی ناگزیرند فرآورده های تاریخی شان را متناسب با نیازمندی های زمانی باز سازی و به بازار هستی عرضه کنند.